

بررسی نقش مربی و معاون پرورشی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در دبیرستان‌های دخترانه

مرضیه مختاری - پژوهشگر و معاون پرورشی دبیرستان

چکیده

مقدمه: عصر کنونی با تحولات سریع فناوری و تغییر در سبک زندگی، نوجوانان را در معرض آسیب‌های اجتماعی نوظهوری قرار داده است که مهار آن نیازمند رویکردی نظام‌مند و پیشگیرانه است. دبیرستان‌های دخترانه به‌عنوان دومین نهاد جامعه‌پذیر پس از خانواده، نقشی محوری در شکل‌دهی به هویت و سلامت روان دانش‌آموزان دارند. در این میان، مربی و معاون پرورشی، به‌عنوان بازوان اجرایی حوزه تربیت، مسئولیت خطیر ایجاد فضای ایمن، اخلاقی و توانمندساز را بر عهده دارند.

روش پژوهش: این مطالعه با استفاده از روش مروری نظام‌مند (Systematic Review) و با جستجو در پایگاه‌های داده معتبر (SID)، Magiran، Google Scholar و ScienceDirect و بررسی اسناد بالادستی آموزش و پرورش طی بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴ انجام شده است.

یافته‌ها: تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که کارکردهای مربی و معاون پرورشی در چهار سطح کلان قابل طبقه‌بندی است: (۱) سطح فردی (مشاوره و شناسایی دانش‌آموزان در معرض خطر)، (۲) سطح گروهی (اجرای کارگاه‌های مهارت‌های زندگی و برنامه‌های فرهنگی)، (۳) سطح سیستمی (پیوند مدرسه، خانه و جامعه)، و (۴) سطح فناورانه (سواد رسانه‌ای و مدیریت فضای مجازی). اثربخشی این نقش‌ها به‌شدت تحت تأثیر عواملی مانند صلاحیت‌های حرفه‌ای، حمایت مدیریت ارشد مدرسه، و نگرش کادر آموزشی به برنامه‌های تربیتی قرار دارد.

نتیجه‌گیری: تحقق رویکرد مدرسه‌ای ایمن و پیشگیرانه، مستلزم بازطراحی نقش‌نامه مربیان پرورشی از «مسئول اردو و برنامه‌های تشریفاتی» به «تسهیل‌گر رشد اجتماعی-هیجانی» است. توانمندسازی، کاهش بار اجرایی غیرمرتبط و مشارکت‌دهی آنان در تصمیم‌سازی‌های کلان مدرسه، راهبردهای اساسی برای ارتقای سرمایه‌های روانی-اجتماعی دانش‌آموزان دختر محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌های اجتماعی، مربی پرورشی، معاون پرورشی، دبیرستان‌های دخترانه، پیشگیری رشد‌مدار، مهارت‌های زندگی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

دوره نوجوانی، به‌ویژه سال‌های دبیرستان، بحرانی‌ترین مقطع تحول روانی-اجتماعی انسان است. در این دوره، هم‌نوایی با گروه‌های همسال، کنجکاوی جنسی، هویت‌یابی و میل به استقلال، نوجوانان را به سمت رفتارهای

پرخاطر سوق می‌دهد. بر اساس گزارش‌های سازمان بهداشت جهانی، بیش از ۲۰ درصد از نوجوانان جهان حداقل یک نشانه از اختلالات روانی یا رفتاری را تجربه می‌کنند که در صورت عدم مداخله، به آسیب‌های اجتماعی مزمن تبدیل می‌شود. در جامعه ایران، با گسترش بی‌سابقه فضای مجازی و تغییر الگوهای ارتباطی، دانش‌آموزان دختر با چالش‌هایی نظیر هراس اجتماعی، بدشکلی بدن، وابستگی به شبکه‌های اجتماعی و کاهش تاب‌آوری مواجه شده‌اند.

ساختار سنتی آموزش و پرورش، «معاون پرورشی» را به‌عنوان مدیر برنامه‌های فرهنگی و «مربی پرورشی» را به‌عنوان مجری میدانی این برنامه‌ها تعریف کرده است. اما کارکرد واقعی آنان، فراتر از برگزاری مراسم، به حوزه «پیشگیری اولیه» (قبل از بروز مشکل) و «پیشگیری ثانویه» (هنگام بروز نشانه‌های اولیه) بازمی‌گردد. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که با چه سازوکارهای عملی و نظری می‌توان این دو نقش را به بازیگران کلیدی در کاهش آسیب‌های اجتماعی در دبیرستان‌های دخترانه تبدیل کرد؟ پاسخ به این پرسش، نیازمند کالبدشکافی دقیق کارکردها و ارائه مدل عملیاتی است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. نظریه‌های بنیادین

چارچوب نظری این پژوهش بر سه نظریه اصلی استوار است:

نظریه یادگیری اجتماعی بندورا: تأکید دارد که نوجوانان رفتارهای پرخطر را از طریق مشاهده و تقلید از محیط (همسالان، رسانه و فضای مجازی) می‌آموزند. نقش مربی پرورشی، ارائه الگوهای رفتاری جایگزین و سالم است.

نظریه پیوند اجتماعی هرشی: معتقد است که آسیب‌های اجتماعی زمانی رخ می‌دهند که پیوند فرد با نهادهای هنجارآفرین (خانواده، مدرسه، مذهب) سست شود. معاون پرورشی، مسئول تقویت این پیوندها از طریق برنامه‌های خلاقانه و مشارکتی است.

مدل پیشگیری رشدمدار (Developmental Prevention): بر این اصل تأکید دارد که مداخلات باید متناسب با سن، جنس و نیازهای ویژه دانش‌آموزان طراحی شوند. به‌عنوان مثال، برنامه‌های پیشگیری از خشونت برای دانش‌آموزان پایه دهم با دانش‌آموزان پایه دوازدهم تفاوت اساسی دارد.

۲-۲. مرور پیشینه داخلی

پژوهش‌های متعددی در ایران به این حوزه پرداخته‌اند. یوسفی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که بین «کیفیت رابطه دانش‌آموز با مربی پرورشی» و «کاهش گرایش به مصرف مواد» رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. همچنین، مطالعه محمدی و کریمی (۱۴۰۲) در دبیرستان‌های تهران حاکی از آن بود که برنامه‌های منظم معاونین پرورشی در حوزه سواد رسانه‌ای، توانسته است آسیب‌پذیری دانش‌آموزان دختر را در برابر قلدری فضای مجازی تا

۳۴ درصد کاهش دهد. با این حال، شکاف پژوهشی اصلی در عدم ارائه یک «مدل عملیاتی یکپارچه» برای تلفیق وظایف اداری و تربیتی مربیان است که این پژوهش به دنبال پر کردن آن است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی-توصیفی با رویکرد مرور نظام‌مند (Systematic Review) است. جامعه آماری مطالعه، کلیه مقالات علمی، پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی و آیین‌نامه‌های اجرایی آموزش و پرورش منتشر شده بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴ بود. برای جمع‌آوری داده‌ها، از کلیدواژه‌های «مربی پرورشی»، «معاون پرورشی»، «آسیب‌های اجتماعی»، «دبیرستان دخترانه» و «پیشگیری از بزهکاری» در پایگاه‌های داده معتبر داخلی (SID)، (Noormags، Magiran و خارجی (ERIC)، (Google Scholar استفاده شد. پس از غربالگری اولیه، ۴۷ سند معتبر برای تحلیل نهایی انتخاب گردید. روش تحلیل داده‌ها، تحلیل محتوای کیفی و دسته‌بندی کدهای استخراجی در چهار سطح فردی، گروهی، سیستمی و فناورانه بود.

۴. یافته‌های پژوهش: کارکردهای چندسطحی مربی و معاون پرورشی

بر اساس یافته‌های حاصل از مرور نظام‌مند، نقش‌های مؤثر مربی و معاون پرورشی را می‌توان در قالب جدول زیر و شرح مفصل آن دسته‌بندی کرد:

جدول ۱: سطوح و کارکردهای عملیاتی پیشگیری در دبیرستان‌های دخترانه

سطح مداخله	کارکرد اصلی مربی/معاون پرورشی	مصادیق عملیاتی در مدرسه
سطح فردی	تشخیص زودهنگام و ارتباط امن	برگزاری جلسات انفرادی ۱۵ دقیقه‌ای، استفاده از پرسشنامه‌های سنجش هیجانی
سطح گروهی	آموزش مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی	اجرای کارگاه‌های حل تعارض، مدیریت خشم و تفکر نقادانه در کلاس‌ها
سطح سیستمی	شبکه‌سازی خانواده و مدرسه	تشکیل شورای اولیا با محوریت مسائل تربیتی، بازدید از منزل دانش‌آموزان آسیب‌پذیر
سطح فناورانه	ارتقای سواد رسانه‌ای و نظارت هوشمند	آموزش تشخیص اخبار جعلی، مدیریت زمان استفاده از تلفن همراه، برگزاری جشنواره تولید محتوای مثبت

شرح تفصیلی یافته‌ها:

۱. سطح فردی (ارتباط و مراقبت): یافته‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل پیشگیری، «دسترس‌پذیری عاطفی» مربی است. دانش‌آموزان دختر به دلیل ویژگی‌های رشدی خاص، نیازمند یک فرد بزرگسال قابل اعتماد در مدرسه هستند تا بتوانند بدون ترس از قضاوت، مشکلات خود را مطرح کنند. معاون پرورشی با طراحی سیستم «طرح

مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان (طرح نماد)» و همکاری با مشاور، می‌تواند دانش‌آموزان منزوی یا دارای افت تحصیلی ناگهانی را شناسایی کرده و به‌موقع مداخله کند.

۲. سطح گروهی (برنامه‌های توانمندسازی): صرفاً برگزاری مراسم مذهبی یا اردوهای تفریحی کافی نیست. موفق‌ترین مداخلات، برنامه‌هایی هستند که در آنها دانش‌آموزان نقش کنشگر اصلی را دارند. برای نمونه، تشکیل «گروه‌های همیار مشاور» توسط مربی پرورشی که در آن دانش‌آموزان آموزش‌دیده، به همکلاسی‌های خود در زمینه کاهش استرس امتحان یا مقابله با فشار همسالان کمک می‌کنند، یکی از اثربخش‌ترین روش‌های پیشگیری گروهی است.

۳. سطح سیستمی (پیوند با خانواده): یکی از چالش‌های اساسی، بی‌اطلاعی یا کم‌توجهی خانواده‌هاست. معاون پرورشی می‌تواند با برگزاری «کارگاه‌های والدین آگاه» با موضوعاتی نظیر «نحوه برخورد با بحران بلوغ دختران» یا «مهارت نه گفتن به فرزند»، گام مؤثری در هماهنگی رویکرد خانه و مدرسه بردارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این هماهنگی، اثربخشی مداخلات مدرسه را تا دو برابر افزایش می‌دهد.

۴. سطح فناورانه (مدیریت فضای مجازی): امروزه بزرگ‌ترین آسیب اجتماعی در دبیرستان‌های دخترانه، تروماهای ناشی از فضای مجازی (شایعه‌پراکنی، انتشار تصاویر خصوصی، کاهش عزت نفس ناشی از مقایسه اجتماعی) است. نقش جدید معاون پرورشی، تبدیل شدن به یک «متخصص سواد دیجیتال» است. اجرای پروژه‌هایی مانند «یک روز بدون موبایل» یا «مسابقه تولید پیام‌های اخلاقی در شبکه‌های اجتماعی»، رویکردهای خلاقانه‌ای برای تبدیل تهدید به فرصت هستند.

۵. بحث: تحلیل چالش‌ها و راهبردهای ارتقا

اگرچه کارکردهای فوق در تئوری کاملاً روشن است، اما یافته‌های مروری نشان می‌دهد که در عمل، موانع جدی بر سر راه اثربخشی مربیان پرورشی وجود دارد:

چالش محتوایی (چیستی): بسیاری از برنامه‌های ابلاغی از بالا به پایین (Top-down) و بدون در نظر گرفتن نیازسنجی از دانش‌آموزان طراحی می‌شوند که منجر به بی‌علاقگی دانش‌آموزان و اتلاف زمان می‌شود.

چالش ساختاری (نحوه اجرا): در بسیاری از مدارس، معاون پرورشی درگیر حجم انبوهی از کارهای اداری (صورجلسات، آمار، نامه‌نگاری) می‌شود که فرصت تعامل چهره‌به‌چهره با دانش‌آموزان را از او می‌گیرد.

چالش منابع انسانی (کیفیت): اغلب مربیان پرورشی، فارغ‌التحصیل رشته‌های غیرمرتبط با روان‌شناسی یا مددکاری اجتماعی هستند و آموزش‌های ضمن‌خدمت کافی در زمینه مشاوره بحران و روان‌شناسی نوجوان ندیده‌اند.

راهنبردهای پیشنهادی مبتنی بر یافته‌ها:

۱. تفکیک وظایف: تفکیک کامل وظایف اجرایی-اداری معاون پرورشی از وظایف میدانی مربی پرورشی، به گونه‌ای که مربی پرورشی صرفاً بر ارتباط با دانش‌آموز و اجرای برنامه متمرکز شود.
۲. استفاده از مدل مشارکتی (توانمندسازی): به کارگیری ظرفیت خود دانش‌آموزان در قالب «شورای دانش‌آموزی پیشگیری از آسیب‌ها» که با راهنمایی مربی، به آسیب‌یابی همسالان بپردازند (رویکرد همتا-آموزی).
۳. توانمندسازی حرفه‌ای: برگزاری دوره‌های تخصصی برای مربیان و معاونین با سرفصل‌های «روان‌درمانی کوتاه‌مدت»، «مصاحبه انگیزشی» و «مدیریت بحران‌های کلاسی».
۴. طراحی برنامه‌های مبتنی بر شواهد (Evidence-Based): مدرسه باید به جای اجرای برنامه‌های کلیشه‌ای، هر سال بر اساس پرسش‌نامه‌های غربالگری، اولویت‌های خود را (مثلاً کاهش هراس اجتماعی در پایه دهم یا کاهش فشار همسالان در پایه دوازدهم) تعیین کرده و برنامه اختصاصی طراحی کند.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نتیجه‌گیری نهایی این پژوهش مروری حاکی از آن است که مربی و معاون پرورشی در دبیرستان‌های دخترانه، نه یک گزینه تجملی، بلکه نیازی اجتناب‌ناپذیر برای سلامت جامعه محسوب می‌شوند. آنان پل ارتباطی میان خانواده، جامعه و دانش‌آموز هستند و با ایفای نقش‌های چندگانه خود (مشاور، مددکار، تسهیل‌گر و مدیر فرهنگی) می‌توانند از بروز هزینه‌های سنگین روانی و اجتماعی در آینده جلوگیری کنند. با این حال، این نقش‌ها در سیستم فعلی به خوبی دیده نمی‌شوند و نیازمند بازنگری اساسی در شرح وظایف و ارتقای جایگاه سازمانی هستند.

پیشنهادهای کاربردی به سیاست‌گذاران آموزشی:

۱. بازتعریف نقش مربی پرورشی در آیین‌نامه جدید با رویکرد «مشاور تربیتی».
۲. کاهش نسبت تعداد دانش‌آموزان به مربی پرورشی (بهینه‌سازی تعداد نیروی انسانی).
۳. ادغام برنامه‌های پیشگیری از آسیب‌ها با ساعات رسمی درسی (نه صرفاً در زنگ‌های تفریح یا فوق‌برنامه).
۴. ایجاد سامانه جامع ارتباطی بین مربی و اولیا برای تبادل اطلاعات به‌هنگام.

پیشنهادهای به پژوهشگران آینده: انجام پژوهش‌های طولی (Longitudinal) برای سنجش تأثیر بلندمدت برنامه‌های پیشگیری در دبیرستان‌های دخترانه و ارائه مدل‌های بومی‌سازی‌شده متناسب با فرهنگ اقوام مختلف ایران ضروری به نظر می‌رسد.

فهرست منابع

۱. بندورا، آ. (۱۳۹۰). نظریه یادگیری اجتماعی (ترجمه فرهاد ماهر). انتشارات رشد. (تاریخ انتشار اثر اصلی: ۱۹۷۷)
۲. هرنشی، ت. (۱۳۴۸). پیوند اجتماعی و بزهکاری. انتشارات دانشگاه هاروارد.
۳. یوسفی، م. و احمدی، ز. (۱۴۰۰). «رابطه کیفیت ارتباط با مربی پرورشی و گرایش به مصرف مواد». فصلنامه سلامت روان مدارس، ۸(۴)، ۲۲-۳۵.

۴. محمدی، ر. و کریمی، س. (۱۴۰۲). «اثر بخشی برنامه سواد رسانه‌ای بر کاهش هراس اجتماعی دانش‌آموزان دختر». مجله علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۱۵(۲)، ۱۱۲-۱۲۸.
۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۳). گزارش تحلیلی از وضعیت آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان و راهکارهای پیشگیرانه (شماره گزارش: ۱۷۴۵)
۶. سازمان آموزش و پرورش استان فارس. (۱۴۰۴). دستورالعمل اجرایی طرح نماد (نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان). انتشارات سازمانی.
۷. سازمان بهداشت جهانی. (۲۰۲۳). گزارش جهانی درباره سلامت نوجوانان. ژنو: انتشارات WHO.
۸. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان نوجوان: مرور نظام‌مند بر تجارب بین‌المللی. (۱۴۰۱). دوفصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۹(۷۳)، ۶۹-۵۱.